

آرامش زن در خانواده: مطالعه موردی زنان میانسال و متأهل شیراز

سیدسعید زاهد زاهدانی
دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران، شیراز.

zahedani@shirazu.ac.ir

سیده فاطمه ساجدی
کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شیراز، ایران، شیراز.

Fa.sajedi64@gmail.com

چکیده

آرامش زنان در خانواده یکی از نشانه‌های سلامت خانواده است. هدف این پژوهش مطالعه چگونگی رسیدن زنان متأهل به آرامش در خانواده دارای فرزند شهر شیراز، با توجه به روابط و باورهای آنهاست. پرسش اساسی ما این است که چگونه اعضای خانواده می‌توانند به آرامش دست یابند؟ نظریه این نوشتار آن است که هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری در خانواده بین زن و شوهر موجب آرامش آنان خواهد بود. این هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری اگر بر مبنای عامل محکم و استواری باشد آرامش دوام خواهد یافت اما اگر پایگاه آن هماهنگی، مبنای استواری نباشد یا هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری بر یک مبنای وجود نداشته باشد، احساس امنیت هم متزلزل می‌شود. در این تحقیق هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری بر اساس سه مبنای ایمان به «خداوند»، «ثروت» و «قدرت» بررسی شده است. روش پژوهش کیفی و از نوع مطالعه موردی است. تکنیک گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از زنان شهر شیراز بوده که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج حاصله از این قرارند: در خانواده هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری همه اعضای خانواده افراد را به آرامش می‌رساند و یک نفر به تنهایی نمی‌تواند خانواده

را به سرانجام آرامش بخش خود برساند. همچنین همدلی، هم‌فکری و همکاری اعضای خانواده بر اساس باور خدامحور آرامش کامل و بر اساس باورهای قدرت و ثروت محور، آرامش نسبی را در خانواده به همراه دارد و نیز فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری موجب ناآرامی در خانواده می‌شود.

کلیدواژگان: خانواده، زن، آرامش، مودت، همدلی، هم‌فکری، همکاری.

مقدمه

هر مکتب و جهان‌بینی بر اساس نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود، تلقی خاصی از رشد و کمال انسان دارد. بعضی از مکاتب، ترقی و تکامل انسان را صرفاً در کمالات دنیوی مثل قدرت و ثروت و لذت دانسته‌اند و عده‌ای دیگر رشد روحی، روانی، فکری و ابعاد اخروی را ملاک کمال حقیقی می‌دانند؛ اما در نگرش جامع، کمال و ترقی انسان، در همه ابعاد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی مد نظر است. اسلام به عنوان مکتبی جامع، پویا و مترقی، دیدگاهی جامع‌نگر به انسان دارد و هدف از خلقت را رشد و پیشرفت همه‌جانبه او می‌داند تا به تبع کمال جامع و کامل انسان، سلامت و سعادت جسمی و روحی او و جامعه تأمین شود (خدایار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۹). یکی از عوامل مؤثر در رشد و تکامل همه‌جانبه انسان محیط خانوادگی اوست. خانواده از دیدگاه قرآن کریم نهادی اخلاقی، معنوی، آسمانی و اجتماعی است که از جایگاه والایی در جامعه برخوردار است و تأثیر شگرفی بر سایر اجزای نظام اجتماعی بر جای می‌گذارد و به‌طور متقابل از آنها تأثیر می‌پذیرد (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۸۱). خانواده‌ای که با فضایل معنوی، عاطفی، روحی و روانی مأنوس باشد، بستر رویش نسل‌های اثرگذار انسانی قرار می‌گیرد و به تربیت نسلی پاک و حامل فضایل منجر می‌شود و هر یک از فرزندان در این نهاد مقدس به شخصیت‌هایی والا تبدیل می‌گردند (نوایی، ۱۳۹۲، ص ۴).

۱. بیان مسئله

در شریعت اسلامی برای رشد و سعادت و سلامت جامع خانواده، احکام، آداب، برنامه‌ها، وظایف، دستورالعمل‌ها، روش‌ها و توصیه‌هایی وجود داشته و دارد، که شناخت و به کار بستن آنها منجر به قداست و معنویت فضای خانواده و ایجاد بستری شایسته برای کمال همه‌جانبه انسان و کانونی پر از صفا و صمیمیت و محبت و نشاط و آرامش می‌شود و منشأ صدور این فضایل می‌گردد (خدایار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

ازدواج امری مدنی و پاسخ‌گوی مجموعه‌ای از نیازهای انسان است که در طول تاریخ بشر و در تمام جوامع وجود داشته و بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی داشتن فرزند برای پدر و مادر، دستیابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت دوره جوانی و بزرگسالی، ارتباط گرم و دوجانبه عاطفی جنسی، و تقسیم کار، همکاری و همراهی در طول زندگی، از اساسی‌ترین کارکردهای آن است (لطف‌آبادی، به نقل از: درویزه و کهکی، ۱۳۸۷، ص ۹۲). اسلام با درک واقعیت‌های زندگی انسان و توجه به نیازهای روانی او، بر جریان کارکرد عاطفه و همراهی در خانواده تأکید کرده و رابطه زن و شوهری و تشکیل خانواده را مایه سکون و آرامش زن و مرد دانسته است (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

اصطلاح «آرامش» را می‌توان از آن دست اصطلاحاتی دانست که نزد هر کس معنایی خاص دارد. اگرچه روان‌شناسان نبود اضطراب و استرس را آرامش می‌دانند اما وقتی از افراد درباره معنای آرامش پرسیده شد یک نفر «کنار هم بودن تمام اعضای خانواده را»، آرامش و نبود اضطراب دانست و دیگری «خدا از من راضی باشد» را آرامش تعریف کرد.

«آرامش» اسم مصدر از آرامیدن به معنای آرامیدگی، وقار، سنگینی، خواب کوتاه و سبک، فراغت، صلح، آشتی و سکون است (معین، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۵۱۲). اخوان ارمکی و نعلچی (۱۳۹۳)، آرامش را حالتی معرفی می‌کنند که فرد از لحاظ شادمانی (رضایت)، اعتماد به نفس، شور، حرارت و امثال آن در وضعیت آرامیدگی، آسایش خاطر و اطمینان‌بخش قرار گیرد.

همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم: ۲۱)؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!». سکونت و آرامش، محبت قلبی، دلسوزی و محبتی را که پیوسته در قالب واژه‌ها، همیاری‌ها و انجام وظایف زن و شوهر در قبال یکدیگر ابراز می‌شود به منزله نشانه‌های الهی مطرح می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵). «سکینه» در اصل از ماده «سکون» و به معنای آرامش و اطمینان خاطری است که هرگونه شک و تردید و وحشت را از انسان زائل می‌کند و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۷۱). محمدحسین طباطبائی آرامش را نتیجه پیوند کاملی بر پایه زوجیت میان زن و قلمداد می‌کند و کمال و قرار زن و مرد را با ازدواج و تشکیل خانواده تحقق‌پذیر می‌داند (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۹). با تأمین آرامش و سکون، کلید سلامت روح و روان در اختیار آدمی قرار می‌گیرد و مسیر تکامل و تعالی به روی وی باز می‌شود (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۹۳).

اعضای خانواده در کنار هم و در ارتباط متقابل با یکدیگر تعریف می‌شوند و هر یک از اعضا مطابق با نیازها، استعدادها و رسالت‌ها، از وظایف و حقوق خاصی برخوردار است. «آرامش‌بخشی» یکی از مهم‌ترین تعهدات افراد خانواده در قبال هم است. اسلام هم برای زن و هم برای مرد نقش «آرامش‌بخشی» قائل است، ولی با توجه به ویژگی‌های طبیعی که خداوند در زن و مرد آفریده است، نقش زن در این کارکرد مهم‌تر است. با توجه به نقش مهم زن در این کارکرد، خود او نیز به آرامش نیازمند است؛ یعنی کارکرد آرامش‌بخشی در خانواده باید دوطرفه باشد (بستان، ۱۳۸۸، ب، ص ۹).

براین اساس ما مدلی را در این تحقیق برای آرامش مطرح کردیم که نقش متقابل اعضای خانواده و مخصوصاً همسران را در ایجاد آرامش بررسی می‌کند. طبق این مدل، سه مؤلفه برای رسیدن به آرامش ضروری است: ۱. همدلی؛ تا دو نفر به همدلی نرسند نمی‌توانند در کنار هم آرام گیرند؛ ۲. هم‌فکری؛ با ایجاد هم‌فکری است که اختلافات از میان می‌رود و آرامش در جمع تضمین می‌گردد؛ ۳. همکاری که به دنبال دو شرط قبل می‌آید. اگر همکاری زن و مرد و دیگر اعضای خانواده بر اساس همدلی و هم‌فکری باشد آرامش حاصل می‌شود. از این‌رو آرامش را همدلی، هم‌فکری و همکاری اعضای خانواده با یکدیگر تعریف می‌کنیم. اگر اعضای خانواده در موضوعی خاص همدل، هم‌فکر و هم‌کار شدند و به توافق رسیدند، آرامش در جمع خانوادگی به وجود می‌آید (زاهد زاهدانی و همکاران، ۱۳۹۲).

زن به عنوان یکی از دو بال مهم خانواده در کنار مرد و در نسبتی وسیع‌تر به عنوان یکی از ارکان شکل‌دهی جامعه می‌تواند در سبک زندگی حاکم بر آن نقش مهمی داشته باشد، یا به بیان دیگر، بخشی از اجزا و ارکان سبک زندگی در نسبت با زن تعریف می‌شود (پورقاسم، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱). نقش زن در نظام تربیتی خانواده از یک سو و حضور او در حیطه‌های مختلف اجتماعی، اهمیت وجود مودت و محبت بین زوجین و همچنین وجود آرام زن در خانواده را مضاعف می‌کند. ضرورت دارد عوامل آرامش زنان در خانواده مشخص شود تا خانواده محلی برای آرامش، همدلی، محبت و سلامت شود؛ چراکه زنان در روحیه و فضای خانواده نقش محوری دارند و آرامش آنان بسیار مهم است.

در این پژوهش به دنبال آنیم که با توجه به تأکید دین مبین اسلام بر نقش آرامش‌بخشی زوجین در خانواده، نشان دهیم چگونه مودت و رحمت در بین خانواده‌های ایرانی شکل می‌گیرد. با توجه به نقش مؤثر زنان در خانواده، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل اصلی و نحوه عملکرد این عوامل در همدل، هم‌فکر و هم‌کار شدن اعضای خانواده از دیدگاه زنان متأهل، میانسال و ساکن شهر شیراز است.

بنابراین این پژوهش می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: چگونه هم‌دل و هم‌فکر و هم‌کار شدن اعضای خانواده بر اساس باورهای مشترک «خداوند، قدرت یا ثروت» آرامش را در خانواده ایجاد می‌کند؟ آیا نبود هم‌دلی، هم‌فکری و همکاری میان اعضای خانواده موجب ناآرامی می‌شود؟ در هر صورت چگونه؟

۲. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در مسائل مربوط به خانواده و زنان صورت گرفته است که بسیاری از آنها به مسائلی از قبیل سازگاری و رضایت زناشویی، بهداشت روانی، و عوامل و موانع تحکیم و استحکام خانواده و عوامل و موانع رسیدن به شادی، خوش‌بختی و آرامش پرداخته‌اند. با توجه به اینکه یکی از مسائل مد نظر این تحقیق تأثیر اعتقاد به خداوند متعال در کسب آرامش است تحقیقات داخلی بیشتری را می‌توان یافت که از دیدگاه دینی و اعتقادی به خانواده نگر بسته باشند. در این باره تحقیقات خارجی کمتری یافت می‌شود.

حسینی‌زاده (۱۳۸۱) در مقاله «عوامل اضطراب و آرامش در آیات و روایات»، با استفاده از روش کتاب‌خانه‌ای و با جست‌وجو در آیات و روایات عوامل ناآرامی و اضطراب و عوامل آرامش و اطمینان‌بخش را بیان می‌کند. احمدی و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهند که تقیدات مذهبی کمک می‌کنند همسران تفاوت در سلیقه‌های یکدیگر را بپذیرند و با آن سازگار شوند و تعارضات بین خود را به خوبی حل کنند؛ برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند و اهداف مشترکی را در زندگی پی بگیرند؛ روابط جنسی رضایت‌بخش داشته باشند و در روش‌های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. مهانیان خامنه و همکاران (۱۳۸۵) دریافته‌اند که افرادی که توانایی تنظیم هیجانات خود را دارند بر نحوه ابراز احساسات خود به همسرشان نظارت دارند، روابط زناشویی را مدیریت می‌کنند و همسرانی قابل اعتماد و آرامش‌بخش‌اند. بستان (۱۳۸۸ الف) یکی از کاستی‌های جدی و مشترک نظریه‌های خانواده را نادیده گرفتن اصل فطرت و نقش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در شکل‌گیری و استحکام روابط خانوادگی می‌داند. قربان‌نیا و حافظی (۱۳۸۸) طبق فرهنگ قرآنی، فلسفه خلقت همسران را رسیدن هر یک از آنها به آرامش بیان می‌کنند. همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که مدیریت مرد ذیل لوای فرهنگ اخلاق محور قرآن نه تنها به معنای سلطه‌طلبی و زورگویی نخواهد بود بلکه جریان روابط محبت‌آمیز همسران را به سوی نظم و آرامش سوق می‌دهد. برجی‌نژاد (۱۳۸۹) به نقش مؤثر مادر در آرامش فرزندش اشاره می‌کند. محدثی و یوسفی‌اصل (۱۳۸۹) نیز ازدواج را تجلی زیباترین عرصه معنویت، صمیمیت، ایثار، عاطفه

و محبت می‌دانند و نقش زن در استحکام خانواده از طریق محبت و عشق را، بیش از مرد بیان می‌کنند. کاظمی و همکاران (۱۳۹۰) تأکید می‌کنند که برخورداری همسران از همدلی، تفاهم، آگاهی و مهارت‌های ارتباطی منجر به افزایش رضایتمندی زناشویی و ایجاد آرامش بیشتر در خود و در تعاملات با همدیگر می‌شود. جهانی (۱۳۹۱) روشن‌ترین جلوه‌گاه خودنمایی مودت و رحمت را جامعه کوچک خانواده معرفی می‌کند. نوایی (۱۳۹۲) رازها و اصولی را بیان می‌کند که سبب تحکیم خانواده و آرامش در زندگی حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام شده است. یافته‌های پژوهش محمدی (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که عشق و علاقه، قدرت در خدمت رابطه و نه فرد، احترام، توجه متقابل، تشریک مساعی، مصاحبت و هم‌فکری از جمله ویژگی‌های زوجینی است که می‌توان آنها را صمیمی نامید.

نتایج برخی از تحقیقات خارجی نیز چنین است. ماهونی^۱ و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که دین موجب افزایش مشارکت کلامی، کاهش پرخاشگری کلامی و تعارضات زناشویی، و در نهایت محبت بین زوجین می‌شود. اولدربک و فیگوتودو^۲ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که رابطه رمانتیک بر رضایت زناشویی زنان تأثیر می‌گذارد و این اثر، از راه شیوه دلبستگی و شیوه ارتباطی صورت می‌گیرد. اسمیت، ولش و فیت^۳ (۲۰۱۰) نیز رابطه معناداری را میان رفتارهای کلامی و غیرکلامی با رابطه رمانتیک نشان می‌دهند.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده این حقیقت است که در آیات و روایات توجه خاص و ویژه به نظام خانواده و کارکرد آرامش‌بخشی آن شده است. همچنین در بین این مقالات به الگو بودن زندگی پر از نور و مهر و محبت حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره شده و رابطه دینداری با رضایت از زندگی و رسیدن به آرامش بررسی شده است. عوامل تحکیم خانواده و بهبود روابط همسران بیان شده و رابطه سلامت با آرامش را بررسی کرده‌اند. البته در این مطالعات، سلامت بیشتر، از بعد روان‌شناسانه بررسی شده و کمتر به جنبه جامعه‌شناختی آن توجه شده است. اگرچه تحقیقات مذکور نشان‌دهنده اهمیت موضوع است، اما پژوهش حاضر از آن جهت در میان سایر پژوهش‌ها خاص است که آرامش زنان در خانواده را از دیدگاه خود زنان با روش کیفی و مطالعه موردی و عمیق، بررسی می‌کند.

1. Mahoney, A.
2. Olderbak, S.; Figueredo, A. J.
3. Smith, J. D.; Welsh, D. P.: Fite, P. J.

۳. مرور نظری

تا پیش از دهه ۱۹۶۰ میلادی، کمتر نظریه‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده یافت می‌شد که به طور خاص به این حوزه تعلق داشته باشد و خانواده را از آن حیث که خانواده است تجزیه و تحلیل کند؛ زیرا این نظریه‌ها نوعاً یا نظریه‌های به عاریت گرفته‌شده از رشته‌های دیگر علوم انسانی مانند روان‌شناسی بودند که در تحلیل مباحث خانواده به کار گرفته می‌شدند یا همچون کارکردگرایی تالکوت پارسونز^۱ و مبادله‌گرایی جورج هومنز^۲ نظریه‌هایی کلان با کاربردهای متنوع بودند که حوزه خانواده صرفاً یکی از حوزه‌های کاربرد آنها به شمار می‌رفت. از اواخر دهه شصت شاهد پیدایش جریانی در جامعه‌شناسی خانواده هستیم که به دنبال ساختن نظریه‌هایی اختصاصی درباره خانواده است (بستان، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۸).

از جمله آرا و نظریات مربوط به خانواده نظریه پارسونز است که نهاد خانواده را پیش‌نیازی گریزناپذیر برای استواری اجتماعی می‌داند. طبق این نظریه، اگر کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم شوند، رقابت میان آنها زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین‌کننده خانواده در نگه‌داشت استواری اجتماعی ضعیف خواهد شد (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۴۶۶). پارسونز تقسیم کار جنسیتی بین زوجین را عامل استحکام خانواده و آرامش اعضای آن می‌داند.

مارکس نیز در نظریه خود، سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی را علتی می‌داند که سبب می‌شود خانواده مأمّن امن آرامش زن و مرد نباشد.

بر اساس نظریه منابع، منابع بسیار ارزشمندی در خانواده و سایر نهادهای اجتماعی وجود دارد که به یکسان بین افراد توزیع نشده است و بنابراین موجب بروز تعارض بین افراد می‌شود (منصوریان، ۲۰۰۸، به نقل از: سالاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۷). گیدنز نیز در نظریه «راه سوم» به تبیین روابط بین زوجین می‌پردازد. طبق این نظریه، اگر روابط دموکراتیک بین زوجین برقرار باشد سازگاری وجود دارد و اگر چنین نباشد ناسازگاری به وجود می‌آید (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

به عقیده هیل^۴ افراد مایل اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و

1. Parsons, T.
2. Homans, G.
3. Ritzer, G.
4. Hill, K.

چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و درنهایت جدایی می‌شوند. وود^۱ نیز در اثرش ازدواج از دیدگاه مذهبی می‌گوید هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰؛ به نقل از: لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۶). مطابق با نظریه همسان‌همسری، ناهمسانی میان زوجین سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی و درنهایت از بین رفتن آرامش در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۷۰ ب، ص ۱۳۰؛ به نقل از: قادری و مردانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵). در این پژوهش نیز به همسانی زوجین در اعتقادات و گرایش‌ها مانند مذهب، پول و جایگاه اجتماعی توجه شده است.

گاتمن^۲ معتقد است گرچه در تمام ازدواج‌ها میان نیروهای پاسدار ازدواج و نیروهای برهم‌زننده آن نبرد و درگیری وجود دارد، اما آنچه مهم است تعادل میان جنبه‌های مثبت و منفی در ازدواج است. وی چهار عامل منفی بسیار مهم انتقاد، اهانت، رفتار تدافعی و همکاری نکردن را برهم‌زننده [آرامش] و ازدواج می‌داند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

نهضت فمینیسم خانواده را به نوعی جایگاه اصلی پابرجایی ستم بر زنان معرفی کرده و معتقد است مهم‌ترین عامل فرودستی زنان، نظام خانواده و کار خانگی است. از نظر کیت میلر^۳ فمینیست رادیکال، خانواده نهادی ستمگر است؛ زنان ملک مردان و برده صرف هستند و خود جامعه، سازمانی فئودالی است که برای جامعه‌پذیری جوانان به منظور نظم جامعه بزرگ‌تر طراحی شده است. خانواده باید از بین برود و مراقبت از کودکان به‌طور قطع بهتر است به جای افراد آزرده و اغلب ناخرسند (والدین)، به کارورزان کاملاً تعلیم‌دیده از هر دو جنس واگذار شود (متولیان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸).

در نظریات اندیشمندان اسلامی از خانواده به عنوان هسته اصلی و واحد بنیادین اجتماعی یاد شده و رشد و تعالی انسان‌ها را در گرو حراست از کانون خانواده دانسته‌اند (بستان، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۹). بر اساس نظریه شادکامی توحیدی، شادکامی بر واقعیت‌هایی مبتنی است که خداوند متعال مقدر کرده و دستیابی به آن نیز راه خاصی دارد که خداوند تنظیم کرده است (پسنیدیه، ۱۳۹۰، ص ۹). این تحلیل سبب آرامش و اطمینان قلب در انسان می‌شود.

1. Wood, L.F.
2. Gottman, J.
3. Miller, K.

۴. چارچوب مفهومی تحقیق

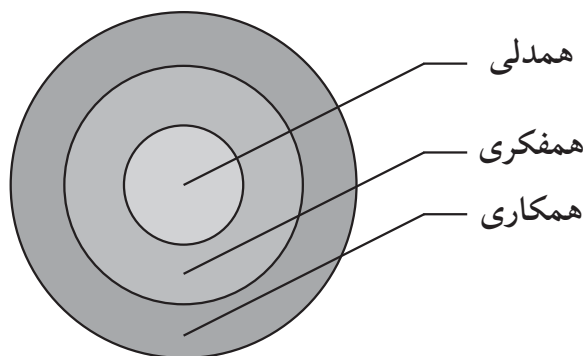
آرامش در خانواده را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد؛ اما ما در این تحقیق از نظریه سه‌وجهی زاهد زاهدانی درباره فرهنگ استفاده می‌کنیم (۱۳۸۹ و ۱۳۹۲). از دیدگاه او، فرهنگ قوه تفکر در هر جامعه است. بر اساس این نظریه، هر اجتماع با اختیار فرهنگی خاص زمینه اجرای آنچه را اراده می‌کند، فراهم می‌آورد. فرهنگ به عنوان یک رسانه، اراده جمعی را به عمل جمعی تبدیل می‌کند (۱۳۹۴). اگر فرهنگ را مجموعه ادراکات به توافق رسیده جمع تعریف کنیم و اگر ادراکات هر انسان را مشتمل بر ادراکات قلبی، عقلی و حسی بدانیم، می‌توانیم بگوییم در فرهنگ هر جامعه ادراکات قلبی، عقلی و حسی [باور] به توافق رسیده خواهیم داشت (زاهد زاهدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۵-۵۶).

پایه‌ای‌ترین باور محل اتفاق جمع، محور باورهای مشترک جمع قرار می‌گیرد. بر اساس اینکه چه موضوعی محور باورهای مشترک جمع قرار گیرد، نوع فرهنگ مطرح می‌شود. اگر محور باورهای مشترک افراد جامعه «ثروت» و «قدرت» باشد، فرهنگ حاکم ثروت محور و قدرت محور است؛ و اگر محور باورهای مشترک «خدا» باشد، فرهنگ افراد جامعه، فرهنگ اسلامی است. بنابراین اگر فرهنگ حاکم بر اعضای خانواده فرهنگ اسلامی باشد و افراد خانواده بر اساس باورهای مشترک خدامحور همدل و هم‌فکر و همکار شوند، آرامش کامل در خانواده برپا می‌شود؛ و اگر فرهنگ حاکم بر اعضای خانواده فرهنگ ثروت محور و قدرت محور باشد، همدلی و هم‌فکری و همکاری اعضای خانواده بر اساس باورهای مشترک قدرت محور و ثروت محور شکل می‌گیرد و آرامش نسبی در خانواده ایجاد می‌کند؛ و نیز ناآرامی زمانی در خانواده رواج پیدا می‌کند که همدلی و هم‌فکری و همکاری در میان اعضای خانواده وجود نداشته باشد (زاهد زاهدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۷).

۵. مدل پژوهش

ما در این تحقیق از مدلی که در ادامه می‌آید برای راهنمای حرکت در چارچوب مفهومی مشخص استفاده می‌کنیم. در این مدل همدلی، هم‌فکری و همکاری به صورت دوایر متحدالمرکزی نشان داده شده است. متحدالمرکز بودن این دوایر نشان از تعادل و در نتیجه آرامش است. وقتی مرکز این دوایر از یکدیگر به هر علتی جدا می‌شود ناآرامی حاصل می‌گردد. مثلاً وقتی زن و شوهری درون خانواده به عدالت باور داشته باشند، در این خصوص باوری مشترک دارند (همدلی) که آن را مبنایی برای تفکر خود قرار می‌دهند (هم‌فکری) و طبق این تفکر عمل می‌کنند (همکاری) و به آرامش می‌رسند. اگر همدلی به هم‌فکری و همکاری منجر نشود دایره‌های دوم و سوم از دایره اول (میانی)

فاصله گرفته و آرامش از بین می‌رود. یا اگر همدلی بر مبنای زائل شونده‌ای مانند ثروت باشد تا ثروت، قدرت اثر دارد و عامل تأثیرگذار است آرامش وجود دارد. اما در آن بخش‌هایی که دیگر ثروت مؤثر نیست، آرامش‌زا نخواهد بود و به این ترتیب آرامش بادوامی در کار نیست.



شکل ۱: مدل تحقیق

۶. روش تحقیق

تحقیق پیش رو نیز به دنبال کشف مبانی آرامش در خانواده با توجه به مدل مد نظر، از دیدگاه زنان میانسال، متأهل و ساکن شهر شیراز است. از این رو با استفاده از روش تحقیق کیفی به مطالعه موردی تطبیقی می‌پردازد. این تحقیق از لحاظ نوع مواجهه با مسئله تحت بررسی و ورود به آن، مطالعه‌ای موردی و توصیفی است. «در روش مطالعه موردی، محقق یک موضوع خاص را به طور عمیق مورد بررسی قرار می‌دهد» (خلیلی شورینی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸). از آنجا که فکر کردن بدون مقایسه قابل تصور نیست و استفاده از روش مقایسه‌ای مناسب، ما را به درک بهتری از موضوع تحت بررسی می‌رساند، رویکرد مطالعه موردی تطبیقی را انتخاب کرده‌ایم. چارلز ریگین^۱ برتری‌های روش مقایسه‌ای را چنین خلاصه می‌کند: روش آماری جمع‌شدنی نیست؛ به‌کارگیری روش مقایسه‌ای توضیحاتی را برای هر لحظه پدیده خاص فراهم می‌کند؛ در روش مقایسه‌ای مسائل مربوط به نمونه‌گیری و آزمایش اهمیت ندارد؛ روش مقایسه‌ای، بررسی‌کننده را مجبور می‌کند با موردی‌های مربوط به تحلیل آشنا شود (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹ و ۱۰۸).

در اینجا ما با لحاظ کردن تحقیق موردی با مدل «به مقایسه نظریه [مدل] و داده‌ها می‌پردازیم. در واقع با رویکردی ساده به مدلی که ارتباط نزدیک با داده‌ها دارد، به تحلیل می‌پردازیم» (پیربدایی،

1. Reigen, CH.

۱۳۸۸ ب، ص ۳۵). این اولین بار نیست که در تحقیقات کیفی مدل عرضه می شود بلکه زاهد زاهدانی (۱۳۸۹) در کتاب جنبش های سیاسی معاصر، زاهد زاهدانی و مسعودی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «تحلیل جامعه شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن» و مهری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «سیاست گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، از این شیوه استفاده کرده اند.

جمعیت هدف این پژوهش را زنانی در بر می گیرند که میانسال، متأهل و دارای فرزند، و ساکن شهر شیراز باشند.

در روش کیفی از نمونه گیری هدفمند استفاده می شود. در نمونه گیری هدفمند، محقق آگاهانه انتخاب می کند. بدین معنا که به دنبال انتخاب نمونه های غنی و پرمایه از نظر اطلاعاتی است. انتخاب نمونه بر حسب فرایندی بودن تحقیق کیفی، در فرایند جمع آوری و حتی تحلیل داده ها انجام می شود. محقق مکرر به اطلاعات رجوع می کند تا برای غنا بخشیدن به تحقیق، از نمونه های جدید جهت کسب اطلاعات استفاده کند. فرایند جمع آوری اطلاعات و انتخاب نمونه ها در تعامل با یکدیگر به صورت رفت و برگشتی و بعضاً دایره ای است تا اطلاعات به اشباع برسد. بدین معنا که اگر محقق با تلاش بیشتر اطلاعات جدیدی کسب نکند، اشباع اطلاعات اتفاق افتاده است (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷).

در پژوهش ما مدل پیشنهادی ذکر شده است و از مدل به عنوان راهنمای حرکت در چارچوب مفهومی مشخص استفاده می کنیم. مدل به نمونه ها تعمیم داده می شود، و داده ها، پیرامون مدل، با توجه به شاخص های از پیش تعیین شده و با ابزار مصاحبه ساختار یافته از نمونه های مد نظر گرفته شده و جمع آوری می شود. با توجه به مدل پژوهش و اطلاعات لازم، نمونه ها شامل ۲۱ خانواده است که بر اساس معیار شغل و استفاده از پرسش نامه جهت گیری آلپورت به هفت خانواده روحانی (خدایم محور)، هفت خانواده بازاری (ثروت محور) و هفت خانواده کارمند (قدرت محور) تقسیم شدند و اطلاعات لازم را به محقق دادند. خانواده ها ساکن شیراز و دارای فرزند هستند. داده ها از طریق مصاحبه و با هماهنگی قبلی از نمونه ها جمع آوری شد.

بعد از مکتوب کردن مصاحبه ها، سطر به سطر آنها را مطالعه کردیم. مفاهیم طبق مدل تعریف و جملات مربوط به هر مفهوم در مقابل آن مفهوم نوشته شد. اینها در جداول مرتبط عرضه شده است. در این جداول پس از ذکر تعاریفی صریح و آشکار از مفهوم، مثال ها (مصادق ها) و نمونه ها از مصاحبه ها آورده شد. پس از ذکر قوانین کدگذاری برای هر مقوله و تعیین دقیق شرایط کدگذاری عبارات متنی به وسیله مقوله ای خاص، سرانجام تعاریفی از هر مقوله در قالب یک دستورالعمل در

کنار یکدیگر آورده شد. در نهایت نتیجه قوانین و شرایط مشخص شده در سه خانواده («خدا محور»)، «قدرت محور» و «ثروت محور» با هم و با توجه به مدل، مقایسه و بررسی شد.

۷. مفاهیم

در این پژوهش به تعریف متفاوتی از نحوه رسیدن به آرامش در خانواده پرداخته ایم. با توجه به مدل تحقیق، «آرامش» و نماد «مودت» و «رحمت» در خانواده را همدلی (ارزش‌ها و اعتقادات)، هم‌فکری (معرفت و علم) و همکاری (رفتارها) اعضای خانواده بر حول باوری مشترک (خداوند، ثروت یا قدرت) تعریف کرده ایم. در خانواده، زمانی که ارزش‌ها و اعتقادات همسران همسو و هم‌جهت باشد و طرفین، توانایی‌ها، اعتقادات و باورهای یکدیگر را بپذیرند، اعتماد در میان آنها شکل می‌گیرد. این اعتماد باعث می‌شود آنها به راحتی احساسات خود را با یکدیگر در میان بگذارند، نیازهای خود را مطرح کنند و عقیده و نظر خود را از یکدیگر پنهان نکنند؛ و محبت و علاقه خود را با در کنار هم بودن و قدردان زحمات یکدیگر بودن ابراز کنند. به عقاید و دیدگاه‌های دیگری اهمیت دهند و خواسته‌های خود را مطابق علائق و توانایی همسر خود مطرح کنند. در مسائل پیش رو (تربیت فرزندان، مسائل مالی، نحوه برقراری رابطه و چگونگی گذران زندگی و...) با یکدیگر مشورت می‌کنند تا در زمینه مد نظر به توافق برسند. بر اساس توافق به وجود آمده با هم تصمیم می‌گیرند و برای امور برنامه‌ریزی می‌کنند، و با تقسیم کار و همکاری کارها را انجام می‌دهند. این همدلی و هم‌فکری و همکاری مهر و محبت بین اعضای خانواده و مخصوصاً همسران را افزایش می‌دهد و کمک می‌کند همسران با اطمینان قلبی و روحی مضاعفی مشکلات را از پیش رو بردارند. در تعاملات انسانی، به خصوص در زندگی مشترک، که رابطه نزدیک‌تر و فشرده است، آنچه بیشتر از هر چیزی نمود دارد اخلاقیات است. توجه به حقوق طرفین و حل مسائل مختلف با توجه به دستوره‌های دینی و رسیدن به نقطه مشترک بر اساس دستوره‌های دین دغدغه خانواده‌های خدا محور است. زمانی که هر یک از همسران مبانی دینی را بشناسند و طبق دستوره‌های دین عمل کنند (مثلاً تعالیم دین را در باره نحوه رفتار با همسر یا تربیت فرزندان بدانند و طبق آن به توافق برسند، تصمیم بگیرند، برنامه‌ریزی و عمل کنند)، اعتقادات و ارزش‌های مشترکشان، ایمان و باور قلبی به حضور خداوند در زندگی است و همدلی، هم‌فکری و همکاری آنها خدا محور می‌شود. اما زمانی که اساس در رابطه خود محوری باشد و همسران اعتقادات و باورشان این باشد که باید در خانواده حرف، حرف من باشد به دلیل اینکه منابع یا ثروت بیشتری در اختیار دارم یا اینکه تمام فکر و ذکر خود را داشتن جایگاهی خاص در اجتماع یا داشتن ثروت فراوان قرار دهند، یا به هر

نحو باید فرزندان داشته باشند که به مقامی بالا در اجتماع و به ثروت برسند و علم و عمل خود را در خدمت رسیدن به این اهداف قرار دهند، همدلی، هم‌فکری و همکاری‌شان ثروت‌محور و قدرت‌محور می‌شود و زمانی به آرامش می‌رسند که به قدرت و ثروت برسند؛ و با از بین رفتن قدرت و ثروت آرامش نیز از بین می‌رود.

۸. یافته‌های تحقیق

۸-۱. مشخصات شرکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۱ نفرند که با توجه به شغل خود یا همسرشان، تحصیلات، گرایش‌های مذهبی (با کمک پرسش‌نامه جهت‌گیری آلپورت) و سبک زندگی و مهم‌تر از همه گفته‌های خودشان به سه گروه خدامحور، قدرت‌محور و ثروت‌محور تقسیم شدند. جوان‌ترین شرکت‌کننده ۲۸ سال و مسن‌ترین شرکت‌کننده ۵۸ سال دارد. از نظر سطح تحصیلات، یک نفر دیپلم ناقص، هفت نفر دیپلم، چهار نفر لیسانس، پنج نفر ارشد و سه نفر مدرک دکترا دارند. نه نفر از شرکت‌کنندگان خانه‌دارند و بقیه شاغل. از نظر تعداد فرزند، خانواده‌ها از یک تا چهار فرزند داشته‌اند که اکثر آنها دارای دو فرزندند.

نمونه‌های خدامحور، پنج نفر در حوزه دین تحصیل داشته‌اند و در دو خانواده همسران طلبه هستند. پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت نیز گرایش بالا به مذهب را در این هفت خانواده تأیید کرده است. همچنین گفته‌های شرکت‌کنندگان نیز تأیید دیگری بر سبک زندگی خدامحور در این خانواده‌ها است. مثلاً کد چهار درباره برنامه تربیت فرزندان خود می‌گوید: «در تربیت بچه‌ها از بچگی بنای تربیت را بر پایه قرآن و دستورهای دین قرار دادیم و هدفمند و منظم پیش رفتیم».

نمونه‌های قدرت‌محور به این دلیل در گروه قدرت‌محور قرار گرفته‌اند که طبق گفته خودشان و تأیید پرسش‌نامه آلپورت، تقیدات مذهبی چندانی ندارند؛ به دنبال کار و پیشرفت در شغل خود بوده‌اند و این پیشرفت را هدف زندگی خود قرار داده‌اند. افراد گروه ثروت‌محور نیز پول را حلال مشکلات می‌دانند.

۸-۱-۱. مشارکت‌کنندگان خدامحور

هر هفت شرکت‌کننده، دین‌باوری و توجه و عمل به تعالیم دین را در دستور کار زندگی خود داشتند و همچنین از سطح بالایی از همدلی، هم‌فکری و همکاری بین اعضا و آرامش در خانواده برخوردار بودند. هر زوج از هر خانواده ارزش‌ها و باورهای یکسان و علم و عمل متناسب با ارزش‌های

پذیرفته شده داشتند. همسران با محور قرار دادن تعالیم و دستوره‌های دین در ارتباط با همسر و فرزندان، محبت و مودت را در بین خود به وجود می‌آورند و وظایف خود در قبال دیگری را با توجه به تعالیم دین تعریف می‌کنند.

همچنین خانم‌های شرکت‌کننده در این گروه در قالب این جملات «علايق من و همسر من شبيه به هم است»، «در همه مسائل با هم مشورت می‌کنیم»، «وقتی مشکلی پیش بیاید با صحبت کردن حلش می‌کنیم»، «در باره همه مسائل با هم تصمیم می‌گیریم»، «برای انجام دادن کارهایمان برنامه‌ریزی می‌کنیم» و «در انجام دادن کارها به هم کمک می‌کنیم» همدلی، هم‌فکری و همکاری در خانواده را نشان دادند. توجه پدر و مادر به مسائل تربیتی فرزندان و داشتن برنامه‌ای اصولی و دین‌محور در این خصوص نیز موجب موفقیت و نبود مشکل در فرزندان این خانواده‌ها شده است.

۲-۱-۸. مشارکت‌کنندگان قدرت‌محور

هفت مشارکت‌کننده گروه دوم جزء دسته قدرت‌محور قرار گرفتند. بیشتر آنها خود را شخصیتی مذهبی و در قید و بند عمل طبق تعالیم دین نمی‌دانند. کد ۱ می‌گوید: «با دین کاری نداریم». همچنین کد ۱۱ می‌گوید: «همسر فردی مذهبی بود؛ و من نه مذهبی بودم و نه ریشه مذهبی داشتم. اما الآن همسر من شده است». افراد این گروه همت خود را برای موفقیت و پیشرفت در کار و اجتماع قرار داده‌اند. کد هشت می‌گوید: «حاضر من از خیلی از چیزهایم بگذرم ولی پسر من کسی بشود که می‌خواهم و به جایگاه بالایی در اجتماع برسد؛ هیچ کمبودی نداشته باشد؛ نه مالی و نه هیچ چیز دیگر». شاغل بودن اهمیت فراوانی برای این گروه دارد. کد ۱۴ می‌گوید: «همسر من به دلیل شغلش باید مطالعه داشته باشد و مطالعه را با هیچ کاری عوض نمی‌کند. من هم سعی می‌کنم محیط خانه را برایش آرام نگه دارم».

همچنین کد ۱۱ درباره اشتغال می‌گوید: «من و شوهرم در جامعه کاری مان خیلی موفقیم». «من از اینکه شاغل بودم همیشه رضایت داشتم. خیلی سخت بود و از خودم مایه می‌گذاشتم ولی معتقد بودم کار، مایه برای زن است. پیشرفت را دوست داشتم». «با گذشتن از خودم سعی کردم آثار منفی شغلم را کاهش دهم اما فکر می‌کنم پسر کوچکم از شاغل بودنم راضی نبود». کد ۱۲ درباره اشتغال می‌گوید:

به نظر من، ماندن در خانه باعث رکود زن می‌شود. اگر به عقب برگردم باز هم شاغل بودن را انتخاب می‌کنم، ولی نه در دوران کودکی بچه‌ها. آثار منفی که شاغل بودن بر زندگی ام گذاشته این بود که همیشه از اینکه وقت کمی را با بچه‌هایم گذراندم، ناراحت می‌شدم. کاش تا

زمانی که بچه بودند من در خانه بودم و آنها بچگی و بازی می‌کردند ... کاش گذاشته بودم بچه‌ها پنج یا شش ساله شوند و بعد سر کار می‌رفتم یا اینکه در روز دو-سه ساعت کمتر کار می‌کردم که بیشتر با آنها بودم. من تأثیرش را در بچه‌هایم دیدم. بچه‌هایم از نظر روحی و عاطفی کم دارند و این کمبود را در بزرگسالی هم نتوانستم برایشان جبران کنم؛ کمبودی که الآن بعد از ازدواجشان هم برطرف نشده است.

با اینکه شاغل بودن در این گروه اهمیت فراوانی دارد اما طبق تجربیاتشان، شاغل بودن مادر در دوران کودکی آثار زیانباری به همراه دارد. بنابراین می‌توان گفت همدلی، هم‌فکری و همکاری در این گروه بر محور قدرت قرار گرفته و آرامش خانواده را تحت تأثیر قرار داده است.

۳-۱-۸. مشارکت‌کنندگان ثروت‌محور

هفت مشارکت‌کننده گروه سوم جزء دسته ثروت‌محور قرار گرفتند. اکثر آنها خود را شخصیتی مذهبی و در قید و بند عمل طبق تعالیم دین نمی‌دانند. کد ۱۶ می‌گوید: «اعتقادات و باورهای همسر را قبول دارم. در این خصوص نزدیک به هم هستیم. من و همسر من بیشتر انسانیت را قبول داریم تا اینکه بینیم دین یا پیغمبر چه چیزی گفته است؛ چیزهایی را که بدانم بد است خودم انجام نمی‌دهم».

مسائل اقتصادی یکی از موضوعات مهم در رابطه این خانواده‌ها است. کد ۱۷ درباره مهم‌ترین وظایف همسران در قبال هم می‌گوید: «زن از نظر اقتصادی باید به همسرش کمک کند و مرد هم باید از نظر اقتصادی به همسرش برسد. همسر من معتقد است که از نظر اقتصادی باید خانواده‌اش را تأمین کند».

و کد ۱۶ می‌گوید: «به نظر من و همسر من، وظیفه مرد فراهم کردن امکانات رفاهی و راحتی و آسایش خانواده‌اش است». داده‌ها نشان از این دارد که مرد خانواده کد ۱۶ با کم‌حرفی خود در خانه و کنار کشیدن از برخی مسئولیت‌ها فاصله‌ای را با همسرش گرفته است که با پول این فاصله جبران می‌شود: «هیچ وقت از اینکه همسر من با من بیرون یا سفر نمی‌آید ناراحت نیستم. یعنی ناراحت هستم ولی زجر نمی‌کشم. شاید چون بهترین ماشین را زیر پایم گذاشته و بهترین وسایل را دارم و هر وقت پول بخواهم دارم».

بنابراین می‌توان گفت همدلی، هم‌فکری و همکاری در این گروه بر محور ثروت قرار گرفته و آرامش خانواده را تحت تأثیر قرار داده است.

۲-۸. فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری

داده‌ها نشان از این دارند که فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری آرامش را در برخی خانواده‌ها از بین برده است. در بعضی از خانواده‌ها به دلیل محور بودن پول و کسب درآمد برای زوجین یا یکی از آنها و در نوسان بودن تأمین مالی عملاً همدلی، هم‌فکری و همکاری و در نهایت آرامش وجود ندارد. درباره کد ۱۹ فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری پدر و مادر باعث شده است فرزندان احترام لازم را برای پدر و مادر قائل نباشند و از خانه فراری شوند:

اصلاً نمی‌توانم با همسر صحبت کنم و مسائل را با او در میان بگذارم. به دلیل اینکه همسرم عصبی است و برای جلوگیری کردن از متشنج شدن جو خانه به همسرم دروغ می‌گویم. همسرم از صبح بیرون می‌رود. وقتی کار دارد کار می‌کند و وقتی هم بیکار است به باغ خارج از شهر می‌رود و به آن می‌رسد. بچه‌ها هم هر کدام به کارهای خودشان مشغول‌اند. من سعی می‌کنم جر و بحث پیش نیاید. چون بچه‌ها می‌روند و چند روز به خانه نمی‌آیند. دوست دارم بچه‌هایم بیشتر به من احترام بگذارند.

پرداختن به مسائل شغلی یا مدیریت امور خانواده به دست یکی از همسران باعث شده است یکی از آنها یا هر دو از مسائل خانواده دور بمانند و همدلی، هم‌فکری و همکاری مناسب بین آنها به وجود نیاید. در خانواده‌هایی که زن اداره امور را به عهده گرفته و تصمیم‌گیرنده نهایی در تمام امور است، مرد کمتر از مسائل و مشکلاتش، چه در خانه و چه در محیط کار، با همسرش صحبت می‌کند.

کد ۱۰ می‌گوید: «من مدیریت خواندم و آدم مسئولی هستم و همه امور را به دست گرفتم. همسرم تقریباً خودش را از همه مسائل کنار کشیده است. خیلی از مسائل را هم از من پنهان می‌کند؛ مثل اعتیادش یا مسائل و درگیری‌هایی که در محیط شغلی‌اش دارد».

کد ۱۲ می‌گوید: «من و همسرم هر دو بیرون کار می‌کنیم و برای انجام دادن کارهای خانه کارگر داریم».

در خانواده‌هایی هم که فقط یک مؤلفه رعایت نشده، در همان زمینه خانواده با مشکل روبه‌رو شده است. داده‌ها در بین زوج کد ۱۸ نشان می‌دهند که اخلاق پدر و شاغل بودن مادر بر روابط درون خانه اثر گذاشته است: «همسرم آدم بسیار عصبی، شکاک و حساسی است. خیلی کم با هم هستیم. صبح به سر کار می‌رود و شب می‌آید. شب هم تلویزیون نگاه می‌کند» (فقدان همدلی). نبودن حسن معاشرت و محبت در بین زوجین باعث شده است زن به اشتغال روی بیاورد و از این طریق آرامش و نیازهای خود را در خارج از خانواده جست‌وجو کند. کد ۱۸ می‌گوید: «باید

وضعیت به گونه‌ای شود که دختر و پسر راحت با هم ارتباط داشته باشند و دوست اجتماعی هم بشوند. من خودم با تمام همکارانم دوست هستم و دوست اجتماعی مرد بسیار دارم». کد ۱۶ در نحوه تربیت بچه‌هایش با همسرش توافق ندارد و همچنین برنامه مشخصی هم در این خصوص ندارد. این مسائل باعث شده است پسر بزرگ خانواده لجباز شود و مطیع پدر و مادر نباشد (فقدان هم‌فکری). کد ۲۱ می‌گوید:

همه کارهای خانه و بیرون با من است؛ همسرم با اینکه وضع مالی خوبی دارد از نظر مالی هیچ وقت حمایت نکرد و من دارم با ثروت و حمایت پدرم زندگی می‌کنم. خودم بچه‌هایم را بزرگ کردم و خرج دانشگاهشان را دادم و پسر بزرگم را به خارج از کشور فرستادم. اگر ثروتم نبود نمی‌توانستم بچه‌هایم را به دانشگاه بفرستم و اوضاع و احوال مناسب و رفاه و آسایش را برایشان فراهم کنم» (فقدان همکاری).

داده‌ها در این پژوهش نیز حاکی از آنند که فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری بین اعضای خانواده و همچنین نبود محبت و آرامش باعث شده است افراد، خارج از محیط خانواده یا با مشغول شدن به کار و تحصیل در پی کسب رضایت از زندگی و رسیدن به آرامش باشند. کد ۱۹ می‌گوید: «من سعی کردم برای خودم آرامش به وجود بیاورم. دنبال کارهایی که دوست دارم رفتم. به جای اینکه منفعل بنشینم و به غصه‌هایم فکر کنم برای خودم تفریحات سالم ایجاد کردم و این به من آرامش می‌دهد؛ مثلاً کلاس موسیقی و ورزش».

۹. بحث و نتیجه‌گیری

توجه به اصل تشکیل خانواده و مهم‌ترین کارکرد آن، یعنی آرامش، باعث شد در این پژوهش در قالب همدلی، هم‌فکری و همکاری همسران در پی رسیدن به آرامش باشیم. همدلی در بین همسران اعتماد، بیان راحت احساسات و ابراز لطف و محبت را ایجاد می‌کند. هم‌فکری در بین زوجین نیز باعث می‌شود آنان دیدگاه‌های همدیگر را درباره موضوعات گوناگون جویا شوند، با هم مشورت کنند و در هنگام اختلاف بر سر موضوعات راحت‌تر به توافق برسند. همکاری زوجین برای انجام دادن کارها نیز تصمیم‌گیری مشترک، برنامه‌ریزی و تقسیم کار را به همراه دارد.

مطالعات بسیاری، روابط درون خانواده را بررسی کرده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که آرامش در خانواده از عوامل بسیاری متأثر است. طبق یافته‌های فقیهی (۱۳۷۹)، صادق‌زاده قمصری (۱۳۸۴)، مهانیان خامنه و همکاران (۱۳۸۵)، ابوالقاسمی و دستغیب (۱۳۸۹)، محدثی و یوسفی اصل (۱۳۸۹)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۰) و محمدی (۱۳۹۲)، دینداری، مصاحبت

خوب و شایسته، هم‌فکر و همدل داشتن، راضی بودن از داشته‌ها، مدیریت احساسات، مهارت همدلی و مهارت اجتماعی قوی، قابلیت اعتماد، همدردی، عشق، همکاری، ابراز محبت، رعایت حقوق و انجام دادن تکالیف متقابل، احساس مسئولیت زوجین، تعهد و توجه بین اعضا و توافق، برآوردن نیازهای جسمی و روحی، کفویت، سادگی، تقسیم کار، نظم، احترام در روابط بین زوجین، معرفت، عبودیت و ولایت‌مداری در رابطه با خداوند و محبت و تکریم شخصیت و ایفای نقش الگویی و مقتدایی در تربیت فرزندان آرامش را به محیط خانواده وارد می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر مؤثر بودن نقش همدلی، هم‌فکری و همکاری در ایجاد آرامش در خانواده هماهنگ هستند.

طبق یافته‌های تحقیق حاضر، محبت و مودت، همدلی، هم‌فکری و همکاری بین زوجین تحت تأثیر باورهای پذیرفته‌شده افراد است. همسرانی که ارزش‌ها و باورهای محوریشان بر اساس دستورهای خداوند و تعالیم دینی شکل گرفته است، بر پایه این باور به یکدیگر اعتماد دارند، به راحتی احساسات خود را با هم در میان می‌گذارند و لطف و محبت خود را به هم ابراز می‌کنند. در مسائل، دیدگاه‌ها و عقاید هم را جویا می‌شوند، مشورت می‌کنند و به توافق می‌رسند. با هم تصمیم می‌گیرند، برنامه‌ریزی می‌کنند و با تقسیم کار مناسب به آرامش می‌رسند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌هایی که به بررسی زندگی حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، به عنوان خانواده الگو پرداخته‌اند، همخوان است. همچنین تحقیق حسینی‌زاده (۱۳۸۱)، نیکویی و سیف (۱۳۸۴)، احمدی و همکاران (۱۳۸۵)، کیانی (۱۳۸۶)، خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۶)، درویشه و کهکی (۱۳۸۷)، بستان (۱۳۸۸)، قربان‌نیا و حافظی (۱۳۸۸)، نوری (۱۳۸۹)، نصرتی (۱۳۸۹)، آقاپور و همکاران (۱۳۹۰)، جهانی (۱۳۹۱)، نوایی (۱۳۹۲)، یوزباشی و همکاران (۱۳۹۲) و مصلحی و احمدی (۱۳۹۲)، این قسمت از یافته‌های تحقیق را تأیید می‌کنند.

نظریه همسان‌همسری نیز استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. وود می‌گوید هر چقدر همسران از نظر مذهبی به هم نزدیک باشند، اختلاف و کشمکش کمتری را تجربه می‌کنند. عقاید مذهبی و دینی، باورها و ارزش‌های افراد را شکل می‌دهند و باورها و ارزش‌های افراد است که منشأ فکر و رفتار آنها می‌شود. یکی بودن باور زوجین در همدلی میان آنها مؤثر است و آرامش خانواده می‌تواند تحت تأثیر باور پذیرفته‌شده افراد قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آنند که محبت و مودت، همدلی، هم‌فکری و همکاری بین زوجین زمانی که بر محور قدرت و ثروت پایه‌گذاری شود، می‌تواند آرامش را برای افراد به ارمغان

بیاورد اما دوام آن را تضمین نمی‌کند. طبق نظریه منابع، به میزان برخورداری اعضا از منابع می‌توان به رضایت رسید؛ منابع بسیار ارزشمندی در خانواده و سایر نهادهای اجتماعی وجود دارد. این منابع به یکسان بین افراد توزیع نشده است و بنابراین موجب بروز تعارض بین افراد (ناآرامی آنها) می‌شود. شاید بتوان این‌گونه تحلیل کرد که وقتی زوجین برای کسب قدرت و ثروت با هم، همدلی، هم‌فکری و همکاری می‌کنند، برخورد منابع محدود قدرت و ثروت با میل نامحدود انسان موجب می‌شود زوجین زندگی و تلاش خود را در خدمت کسب قدرت و ثروت قرار دهند، به جای اینکه قدرت و ثروت را برای رسیدن به زندگی بهتر و آرامش به خدمت بگیرند. طبق داده‌ها، در این اوضاع و احوال، روابط درون خانواده تا حدی قربانی توجه بیشتر همسران به کسب قدرت و ثروت می‌شود و سبب می‌شود همسران از بخش‌هایی از زندگی خانوادگی غفلت کنند. در نتیجه این غفلت خانواده در این بخش‌ها با مشکل مواجه می‌شود که می‌تواند آرامش را از خانواده بگیرد.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان‌دهنده آنند که فقدان همدلی، هم‌فکری و همکاری در خانواده و در بین زوجین موجب می‌شود محبت و مودت، بین آنها به وجود نیاید و در نتیجه آرامشی نیز میان اعضای خانواده شکل نگیرد. زمانی که همسران به یکدیگر اعتماد نداشته باشند نمی‌توانند درباره مسائل، مشکلات و احساسات خود با هم حرف بزنند و قدرتان زحمات یکدیگر باشند. در نتیجه به دیدگاه‌های هم اهمیت نمی‌دهند، مشورت نمی‌کنند و در اختلاف‌ها هر کسی کار خود را انجام می‌دهد. هر یک از زوجین به تنهایی تصمیم می‌گیرند و بدون کمک و همکاری دیگری به کاری مشغول می‌شوند. نتیجه این فاصله و دوری، کم شدن میزان محبت و علاقه در بین همسران است. فرزندان این خانواده‌ها با مشکلات روحی و عاطفی درگیر می‌شوند و برای برطرف کردن نیازهای عاطفی خود، به بیرون از محیط خانواده پناه می‌برند. این یافته با نظریه همسان‌همسری هماهنگ است. ناهمسانی همسران در گرایش‌ها، باورها، افکار و اعمال، منشأ عدم تعادل در خانواده، سردی روابط و نبود آرامش در زندگی می‌شود. همچنین گاتمن در تأیید نتایج به دست آمده می‌گوید چهار عامل منفی بسیار مهم انتقاد، اهانت، رفتار تدافعی و همکاری نکردن، برهم‌زننده ازدواج [و آرامش] است.

از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهند که اگر وظایف زنان و مردان در خانواده با یکدیگر عوض شود و زنان هدف خود را تأمین اقتصادی خانواده قرار دهند، خانواده از روال طبیعی خود خارج می‌شود و نمی‌تواند مأمّن آرامش برای اعضای خود باشد. بر اساس نظریه پارسونز نیز، اگر کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم شوند استحکام خود را از دست می‌دهد. اما فمینیست‌ها، مادری و همسری را عامل انقیاد زن معرفی می‌کنند و به دنبال افزایش

حضور زنان در اجتماع هستند. کیت میلر، فمینیست رادیکال، می‌گوید: «خانواده نهادی ستمگر است و زنان ملک مردان و برده صرف هستند» (متولیان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). این در حالی است که طبق یافته‌های این تحقیق، نوع باور و گرایش انسان در تفکر و رفتار او مؤثر است. خانواده‌ای که بر اساس فطرت و دستوره‌های الهی شکل بگیرد و محبت و مودت در آن موج بزند، جایگاه آرامش، رشد و تعالی افراد و به‌ویژه زنان می‌شود. کیت میلر همچنین می‌گوید: «خانواده باید از بین برود و مراقبت از کودکان بهتر است به کارورزان کاملاً تعلیم‌دیده از هر دو جنس واگذار شود» (متولیان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). درحالی‌که طبق یافته‌های این تحقیق فرزندان در نبود پدر و مادر دچار آسیب‌هایی می‌شوند که هرگز جبران‌پذیر نیست. حضور پدر و مادر در کنار فرزندان، مخصوصاً در پنج سال اول زندگی‌شان اهمیت بسیار دارد.

۱۰. پیشنهادهای تحقیق

با در نظر گرفتن یافته‌های اصلی تحقیق پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به اینکه در این پژوهش رابطه همدلی، هم‌فکری و همکاری زوجین با آرامش در خانواده به اثبات رسیده است، نهادهای متولی امور خانواده و بانوان می‌توانند کارگاه‌ها و کلاس‌هایی برای آموزش همدلی، هم‌فکری و همکاری زوجین برگزار کنند؛ به‌ویژه مشاوران خانواده با آموزش‌های گسترده بر استحکام روابط زناشویی از طریق عوامل تأثیرگذار بر همدلی، هم‌فکری و همکاری زوجین سرمایه‌گذاری کنند و با تعمیق روابط زوجین زمینه آرامش زنان را فراهم آورند.
- از آنجاکه در این تحقیق و تحقیقات پیشین، همسانی زوجین، به‌ویژه تناسب ایمانی و اعتقادی، تأثیر بسزایی بر همدلی، هم‌فکری و همکاری آنها و آرامش در خانواده داشته است، می‌توان گفت افزایش آگاهی خانوادها و فرزندان‌شان راجع به اهمیت مسئله همسانی زوجین و تأثیرات مثبت آن در تداوم زندگی زوجین و تشکیل جامعه‌ای سالم و کاهش طلاق و آثار شوم آن در جامعه، مؤثر است.
- آگاه کردن زوجین از عوامل مؤثر همدلی، هم‌فکری و همکاری آنها بر آرامش در خانواده است. مثلاً آگاهی زوجین از اینکه جلب اعتماد همسر، ابراز محبت، مشورت، توافق، داشتن برنامه و تقسیم کار و همکاری می‌تواند در احساس آرامش و خوشبختی‌شان مؤثر باشد. همچنین می‌تواند به عنوان شیوه‌های مؤثر در حفظ و آرامش نهاد خانواده و پیش‌گیری از آسیب‌هایی چون طلاق استفاده شود.

- در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این موضوعات بررسی شود: کفویت و همسانی زن و مرد در اعتقادات و باورهای پذیرفته‌شده‌شان و رابطه آن با آرامش، در ازدواج‌های موفق؛ همدلی، هم‌فکری و همکاری در زوج‌های ناسازگار و ازدواج‌هایی که منجر به جدایی شده است؛ رابطه دیدگاه مادر در باره اشتغال با آرامش در خانواده و موفقیت فرزندان؛ رابطه آرامش در خانواده و تربیت فرزندان.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابور، اسلام، مظاهری، بیژن، آوازه، آذر، و واحدی، سعید (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دستورات قرآنی با رضایت زناشویی در خانواده (مطالعه موردی: خانواده‌های ساکن شهر مرند)، قرآن و طب. ۳ (۳): ۷۸-۸۱.
۳. ابوالقاسمی، عباس، دستغیب، زهرا (۱۳۸۹). نقش رابطه رمانتیک و رفتارهای غیرکلامی در پیش‌بینی خوشنودی زناشویی در زنان. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۲۴: ۹۳-۱۰۶.
۴. احمدی، خدابخش، فتحی‌آشتیانی، علی، و عرب‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی، خانواده‌پژوهی. ۵: ۵۵-۶۷.
۵. اخوان ارمکی، مجتبی، و نعلچی، معصومه (۱۳۹۳). سبک زندگی معنوی امام رضا (ع)؛ الگویی برای آرامش روانی. فرهنگ رضوی. ۷: ۱۴۵-۱۸۰.
۶. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
۷. برجی‌نژاد، زینب (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزند. طهورا. ۶: ۱۸۳-۲۱۰.
۸. بستان، حسین (۱۳۸۸ الف). تبیین بی‌ثباتی خانواده با تکیه بر نظریه استاد مطهری (ع). اسلام و علوم اجتماعی. ۱: ۸۵-۱۰۶.
۹. بستان، حسین (۱۳۸۸ ب). گفت‌وگوی علمی: زنان و نقش آنها در خانواده، طهورا. ۴، ۵-۱۲.
۱۰. پسندیده، عباس (۱۳۹۰). نظریه توحید در شادکامی، روان‌شناسی دین. ۱۵: ۳۰-۵.
۱۱. پورقاسم، مهنوش (۱۳۹۲). بازنمایی ویژگی‌های شخصیت زن در قرآن و نحوه استفاده از آن در درام تلوزیونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی گرایش نمایش. دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. پیربدایی، فاطمه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کیفی و مطالعات موردی، پیام پژوهش. ۱۰۰: ۳۴-۳۷.
۱۳. جهانی، سمانه (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. ۳ (۱): ۸۱-۱۰۰.
۱۴. حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۸۱). عوامل اضطراب و آرامش در آیات و روایات، سومین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی: جوان و آرامش. ش ۳.
۱۵. خدایار، دادخدا، قائمی‌راد، مهدی، و فلاح، ابراهیم (۱۳۹۳). موانع زیست‌ارتقایی در خانواده از منظر اسلام، اخلاق زیستی. ۱۱: ۵۷-۹۲.

۱۶. خدایاری فرد، محمد، شهابی، روح‌الله، و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل، خانواده‌پژوهی. ۱۰.
۱۷. خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۹۱). روش‌های پژوهش آمیخته. تهران: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب. چاپ دوم.
۱۸. درویزه، زهرا، و کهکی، فاطمه (۱۳۸۷). بررسی رابطه سازگاری زناشویی و بهزیستی روانی. مطالعات زنان. ۶ (۱): ۱۰۴-۹۱.
۱۹. ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: علمی. چاپ دوم.
۲۰. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۹). جنبش‌های سیاسی معاصر ایران. قم: کتاب طه.
۲۱. زاهد زاهدانی، سید سعید، و مسعودی، سید اسماعیل (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن، جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۶ (۴): ۱۶۵-۱۸۴.
۲۲. زاهد زاهدانی، سید سعید، جاجرمی زاده، محسن، و تقوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). فرهنگ به مثابه رسانه‌ای بین اراده و عمل جمعی: مطالعه تطبیقی فرهنگ اسلامی و سکولار. رسانه و فرهنگ. ۳ (۲): ۷۶-۵۵.
۲۳. سالاری، اسماعیل، معین، لادن، سهامی، سوسن، و حقیقی، حمید (۱۳۹۲). بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان‌همسری، با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل، زن و مطالعات خانواده. ۱۹: ۱۱۴-۹۵.
۲۴. صادق‌زاده قمصری، فاطمه (۱۳۸۴). اهمیت نقش خانواده، سهم زن و مرد، در استحکام جوامع امروزی، مطالعات فرهنگی دفاعی زنان. ۲: ۷۲-۳۹.
۲۵. علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). زن در اسلام. ج ۱. قم: مرکز نشر هاجر. چاپ دوم.
۲۶. فقیهی، علی‌نقی (۱۳۷۹). شیوه‌های تربیتی و تأثیر آن در آرامش روانی از دیدگاه امام علی (ع). کتاب چهارم تربیت اسلامی: مجموعه مقالات (همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع))، قم: تربیت اسلامی، ۳۱۱-۳۲۸.
۲۷. قادری، طاهره، مردانی، سمیه (۱۳۹۲). «رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۱۵: ۱۵-۹۰-۱۳۷.
۲۸. قربان‌نیا، ناصر، و حافظی، معصومه (۱۳۸۸). «بررسی اصل (معاشرت به معروف میان همسران) از منظر قرآن کریم». بانوان شیعه. ۲۰: ۹۷-۱۱۸.
۲۹. قربان‌نیا، ناصر و معصومه حافظی (۱۳۹۰). «تصویر ریاست مرد بر خانواده در آینه وحی»،

- حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان، صص ۳۳-۶۱.
۳۰. کاظمی، پروانه، آقامحمدیان شعرفاف، حمیدرضا، مدرس غروی، مرتضی، و بهروز، مهram (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی برنامه ارتقای کیفیت زندگی زوجین بر رضایتمندی زناشویی و سلامت روان، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ۲، ۷۱-۸۶.
۳۱. کیانی، محمدحسین (۱۳۸۶). جایگاه آرامش در عرفان و معنویت‌گرایی جدید. مجله نقد کتاب. ۴۵، ۲۰۷-۲۴۶.
۳۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۳۳. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، احمدی، حبیب، و ثروت‌خواه، مژده (۱۳۹۱). بررسی همسان‌همسری و رفتار مرتبط با طلاق: مطالعه موردی زنان شهر شیراز. علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر. ۱۷: ۶۷-۹۲.
۳۴. متولیان، فاطمه‌کبری (۱۳۸۸). ثبات یا تزلزل خانواده در نگرش‌های فمینیستی. طهران. ۴، ۱۳۷-۱۵۸.
۳۵. محدثی، حمیده، و یوسفی‌اصل، محمد (۱۳۸۹). راهکارهای تحکیم بنیان خانواده، فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه. ۸ (۴)، ۲۷۵-۲۷۰.
۳۶. محمدی، سید بیوک (۱۳۹۲). بررسی الگوی رابطه صمیمانه همسران. پژوهش‌نامه زنان. ۴ (۱): ۱۶۳-۱۸۷.
۳۷. مصلحی، جواد، و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش زندگی مذهبی در رضایتمندی زناشویی زوجین، روان‌شناسی دین. ۶ (۲): ۷۸-۹۴.
۳۸. معین، محمد (۱۳۵۴). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر. چاپ شانزدهم.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مهرانیان خامنه، مهري، برجعلی، احمد، و سلیمی‌زاده، محمدکاظم (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی، روان‌شناسی. ۱۰ (۳): ۳۲۰-۳۰۸.
۴۱. مهري، کریم؛ یزدخواستی، بهجت، و محمدحسین پناهی (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم. ۱۰: ۷۵-۷۹.
۴۲. نصرتی، مرضیه (۱۳۸۹). خانواده از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام. بانوان شیعه. ۲۴: ۶۱-۸۴.
۴۳. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). خانواده الگو در اسلام. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۱۹ (۲): ۳-۴۰.

۴۴. نوری، اعظم (۱۳۸۹). عوامل تضعیف استحکام خانواده، طهورا. ۶: ۸۷-۱۱۴.
۴۵. نیکویی، مریم، و سیف، سوسن (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی. تازه‌های پژوهش و مشاوره، ۱۳: ۶۱-۸۰.
۴۶. یوزباشی، علی‌رضا، نوروزی، محمد، و فتح‌قریب بیدگلی، روح‌الله (۱۳۹۲). بررسی نقش زنان در بهبود بهداشت روانی خانواده اسلامی ایرانی با الهام از زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، مهندسی فرهنگی. ۷۷: ۳۴-۵۵.

47. Mahoney, A. & Others (2004). Marriage And the Spiritual Realm: The Role of Proimal and Distal Religious Constructs in Marital Functioning. *Journal of Family Psychology*. 13 (3), 321-338.
48. Olderbak, Sally, & Figueredo, Aurelio Jose (2009). Predicting Romantic Relationship Satisfaction from Life History Strategy. *Personality and Individual Differences*. 46 (5-6): 604-610
49. Smith, Justin D., Welsh, Deborah P., & Fite, Paula J. (2010). Adolescent Relational Schemas and Their Subjective Understanding of Romantic Relationship Interactions. *Journal of Adolescence*, 33(1), 519-544.

